



۲۰۱۴/۱۱/۰۶

دوکتور ص. سعیدی

حامد کرزی و مسأله " کابل بانک "

عنوان بالا عنوان نوشته دانشمند محترم داکتر سید عبدالله کاظم است که به تاریخ ۲۰۱۴/۱۰/۲۸ به نشر رسیده. در مورد کابل بانک نوشته های مفصل داشتیم و می خواهم تأکید کنم که قضاوت عادلانه در مورد بر بخشی از حدسیات و گمان ها و آن هم در میدیا بس مشکل و حتی در مواردی نا ممکن است. قضاوت عادلانه در صورتی ممکن است که دوسیه کامل قضیه را در اختیار داشت، فکت ها و ارقام دقیق درست را باید در دست داشت تا تحلیل، ارزیابی و قضاوت را بر آن استوار ساخت و به نتایج و بررسی های دقیق و موجه رسید. درین راستا به یقین ضرورت به مطالعه صدها ورق این دوسیه و مدارک مندرج آن و مطالب دیگر خارج دوسیه (دوسیه های) مذکور می باشد. اما باز هم به بخشی ازین مسایل جهت وارد شدن به قضیه می پردازیم.

روش های مافیایی ارتکاب جرم و جنایات زمانی مطرح است که جنایت کار بخشی از حاکمیت سیاسی باشد و یا توان خرید حاکمیت سیاسی را در یک کشور داشته باشد.

اختراع به سرقت و به اختلاس بردن بانک ها اختراع افغانی نیست بلکه در تمام کشور های تازه به دیموکراسی لجام گسیخته رسیده، خاصاً در سه دهه اخیر در اروپای شرقی و بخشی از کشور های عقب مانده که از دیموکراسی فهم نادرست وجود دارد. درین نوع حاکمیت تطبیق قانون ضعیف و در مواردی که فاقد آن است و روابط مافیایی بر تمام بخش های کشور و دولت مسلط بوده که به این ترتیب یک عمل تجربه شده و تکرار شده است. تأکید به قابل پیشبینی بودن آن بخاطری است که در صورت وجود اراده لازم سیاسی جلوگیری از ارتکاب این اعمال جرمی ممکن بود و است. تمام شواهد نشان می دهد که برنامه دستبرد کابل بانک دقیقاً برنامه ریزی شده بود و برای آن آمادگی های لازم ارتکاب عمل جرمی صورت گرفته بود.

در بانکداری وضع چنین است که بانک مرکزی برای درخواست کننده خصوصی جواز تجارتي بانکداری می دهد و بانک مرکزی به ملت، جامعه جهانی و سرمایه گذاران تضمین می کند که تمام بانک ها در کشور مطبوع در تحت نظارت قانون قرار دارند و مطابق به قواعد تعیین شده، قوانین نافذ تجارتي داخلی و جهانی عمل نموده و به تجارت و تحفظ سرمایه های گذاشته شده و اعتماد شده در بانک می پردازد. این تضمین بانک مرکزی کشور اعتباری است که در پهلوی دیگر اعتبار ها به بانک خصوصی داده شده و یا این اعتبار در جریان کار کسب می گردد.

مردم پول های اندوخته شده خویش را در بانک معین مطابق به معیار های معین از جمله اعتبار ملی و بین المللی بانک، ترکیب سهم داران و شرکاء (تاجر سابقه دار و شخصیت های قدرتمند سیاسی و اقارب آنها)، اندازه سرمایه، مفاد وعده شده و ... در بانک گذاشته و اعتماد می کنند.

بانک مکلف است با تمام امانت داری و به غرض کسب منفعت باید به پول امانت گذاشته شده به تجارت پرداخته و از مفاد بدست آمده برای شرکاء، و امانت داران مفاد و برای دولت از عاید مالیه بپردازد.

به این ترتیب بانک مرکزی بانک مکلف است که بر بانک های دیگری که جواز داده، از کار شان نظارت نموده و به خاطر تشویق و تضمین سرمایه گذاران همچنان تضمین می کند که در صورت ورشکستگی بانک به توان فیصدی معین سرمایه گذاران در بانک خواهد پرداخت. در صورت تخلف بانک خصوصی، بانک را متوجه تخلف نموده و در صورت ضرورت به موقع بانک را تحت نظارت و کنترل به موقع قرار دهد.

اما در قسمت کابل بانک این کار به تأخیر و آن هم به گونه فریب اذهان مردم صورت گرفت که این کار به پرداختن مبلغ ۸۲۵ میلیون دالر از طرف جناب حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان از مال ملت به حساب کابل بانک جدید منجر شد.

مطابق به قانون، بانک مرکزی مکلفیت دارد که در صورت عدم مراعات قواعد بازی توسط بانک خصوصی اقدام بلا تأخیر متناسب نموده، مانع تخلف شده و حتی بانک خصوصی را به موقع کاملاً در اختیار خویش قرار داده و حتی تمام مأمورین بانک را خود استخدام نموده و بر بانک به موقع کاملاً نظارت، تسلط و کنترل کامل داشته باشد. چیزی که صورت نگرفته است.

جناب داکتر سید عبدالله کاظم در نوشته فوق خویش از قول آقای اجمل هودمن وکیل مدافع شیرخان فرنود، تأکید دارد مبلغ ۱۴ میلیون دالر (سال ۱۳۸۸) و یا بیشتر از آن را جناب حامد کرزی از کابل بانک بدست آورده است و در بقیه خورد و خورد مستقیم شریک نیست. آقای خلیل الله فیروزی از برداشت ۴ فیصد توسط جناب حامد کرزی به صورت متداوم صحبت دارد. . . این سخن مرا به یاد تأکیدات چند سال قبل رئیس جمهور بلاروسیه می آورد که تهدید می کرد "که اگر قرار باشد که کسی بخواهد وی را از لحاظ سیاسی غرق کند، افراد زیاد دیگری هم با وی یکجا غرق خواهند شد."

به هر صورت این احتمال و دهها احتمال دیگر در مسائل قضایی جنایی وجود دارد که باید با تحقیق و بررسی مستقل روشن شود. و این زمانی ممکن است که متخلف خود قاضی تعیین نکند. انکشافات بعدی، فشار بین المللی و مجبور شدن به تشکیل محکمه فرمایشی ظاهر منجر می شود که همان اشخاص اکثراً جز باند بر امور مسلط می شوند و در نتیجه به مبلغ ۴۳۰ میلیون دالر قرضه اقرار صورت گرفته اما تا حال صرف ۱۸۰ میلیون دالر حصول شده. چه حصولی؟ حصولی که در تقابل دیگر تقابل صورت گرفته به این معنی که قیمت شرکت هوایی پامیر که در بازار آزاد قیمت آن تقریباً ده میلیون دالر بود برای شرکت هوایی آریانا به تقریباً ۱۲۰ میلیون دالر محاسبه شده و به این ترتیب تقابلی در تقابل صورت می گیرد.

در تاریخ بانکداری برای همچو دستبرد های بانکی دهها راه وجود دارد تا چگونه افراد مشخص و باند های مافیایی پول بانک را طوری بدست آوردند که رد پای متخلف اصلی را اصلاً کسی نیابد و یا رد پای یافتن متخلفین اصلی مشکل ساخته شود.

چند مثال می آورم: شخصی از روی سرک آورده شده، وی را تاجر می سازند، برنامه بزرگ تجارتي برای ساختمان و یا تفحصات حوزه دریای آمو و ... را برایش می سازند، تضمین بانکی تقابلی (سنگ های قیمتی تقابلی در بانک و یا عقار که قیمت اش است یک لک دالر به صد ها هزار دالر قیمت می شود) مانند تضمین می گذارند، پول قرضه به نام شخص تاجر تقابلی از بانک خارج شده (مثلاً در قضیه مذکور پسر ۱۶ ساله برادر زاده مارشال فقید) به ظاهراً به حساب شخص ساخته شده انتقال می دهند. در بهترین صورت در ابتدا در واقعیت غدودی از گاه برایش می دهند و بعداً یا باید شخص مذکور اعلان افلاس کند، یا مفقود شود و یا هم حتی زندان را آمادگی بگیرد اما پول توسط دیگران حیف و میل می شود. در قانون مافیا ممکن هم در بیلر انداخته شده و در کدام بند آب غرق شود. (مثال های زیادی در اروپای شرقی وجود دارد). طفل را به نامش ۷۸ میلیون دالر قرضه می گیرند و باز در صورت افشا شدن چه جزای به طفل خواهند داد؟ این همه و همه سند واضح کار مافیایی و قبلاً پلان شده است.

اما آیا ممکن است این مسأله را توسط افرادی که تاحال موضوع را عوامفریبانه تحقیق و رسیدگی کردند تصفیه و راست و دروغ آنرا معلوم کرد؟ جواب به صورت قطع منفی است.

سوالی مطرح می گردد آیا واقعاً جناب حامد کرزی می خواهد جناب داکتر اشرف غنی رئیس جمهور موجود را در صورت باز کردن مجدد، کامل مسأله کابل بانک با تشکیل ائتلاف ها تهدید کند و خود و فامیل خویش را از این خطر رهایی دهد؟ شواهد نشان می دهد که جناب حامد کرزی درین قضیه مستقیم شریک نباشد و اینکه دیگران به اثر ضعف اداره و حاکمیت ضعیف از وضع سوء استفاده کرده و یا از قرابت سوء استفاده کرده اند یک احتمال و یا اینکه در آغاز شریک و در مراحل بعدی شریک جرم نیست، احتمال دوم است. اما به صورت یقین اگر شریک عملیه جنایی هم نباشد به صورت قطع مسؤلیت سیاسی دارد و ازین لحاظ بی کفایتی اش بدون اندکترین شک ثابت است.

باز هم تأکید داریم مسأله جنایی باید در تحقیق معلوم شود و قضاوت باز هم در روی اینترنت و مقالات سخت مشکل دارد. اما استدلال مسؤول بانک مرکزی که از قضیه یک سال قبل می خواست به جناب حامد کرزی خبر بدهند و اما جناب حامد کرزی به وی فرصت ملاقات نداد به هیچ صورت مسؤولیت جنایی شان را در قضیه نفیه نمی کند.

اما در مورد اینکه برادر جناب حامد کرزی در قضیه جرمی شریک است و غدودی از گاو نیز برایش رسیده، از خلال اظهارات تلویزیونی خودش کاملاً مستند است.

جناب شان می گویند: " نمی دانم گفتن بیا در بانک شریک شو. من گفتم پول ندارم. گفتن قرض می دهیم و به این ترتیب چند ورق را امضاء کردم و دیگر کردند و من گناه ندارم..." این هم شد گپ و این هم شد دفاع؟ به هیچ صورت قابل قبول نیست. خاصتاً در صورتیکه بر علاوه دیگر ۸۲۵ میلیون دالر به یک چک از پول ملت به حساب این بانک از جانب حامد کرزی رئیس جمهور کشور داده شده. همه امور این بانک به شمول قرضداری از لحاظ اسهام مربوط ملت است.

میلیون ها دالر دارد کابل بانک جدید خساره می کند و میلیون ها دالر دیگر نام و ابروی سرمایه گذاری در افغانستان و مصارف تحقیق و محاکم و زندان ها. اگرچه عده ای از متخلفین کمزور سیاسی همین حالا در هتل های پنج ستاره؟! به نام توقیف ها و زندان بسر می برند.

بلی پرداخت پول دستبرد شده، پرداخت معادل آن با مفاد در صورت تأخیر در پرداخت و جزای عمل جرمی همه مطرح و موجه اند. شواهد نشان می دهد که مراجع عدلی و قضایی در مورد حق السکوت های کافی دریافت کرده اند ورنه چرا در موارد زیاد به موقع اقدام ننموده و از قانون تخلف کرده اند. رهایی افراد مظنون به تضمین مراجع دولتی داخلی و خارجی به صورت قطع خلاف قانون بوده و چرا چنین روش درپیش گرفته شده؟ بخش هایی از قضایا به صورت عمدی به جانب اغوا و فریب ملت سمت و سو داده شده. همه این موارد شراکت حاکمیت باند شان را در این تخلف سازمان یافته نشان می دهد.

تصفیه قضیه کابل بانک مسأله آبروی حاکمیت جدید شده و این قضیه را نمی توان به افراد و اشخاص قبلی تصفیه کرد. برخورد حسینی و ارشادات و درس های کربلا می طلبد. بدون این نوع برخورد کاری به جایی نمی رسد. ما باور داریم و امید های قوی هم وجود دارد که در مورد اقدامات متناسب لازم صورت گیرد و مسأله کابل بانک به صورت درست فیصله شود. امکان دارد در صورتیکه پیگیری اراده سیاسی تحت فشار مافیای حاکم مورد تزلزل قرار نگیرد. شواهد نشان می دهد که چنین نخواهد شد.

و اما یک سخن قلبم و آن اینکه کشاندن جناب حامد کرزی به محاکمه و تلاش به ریا دخیل ساختن شان در قضایای جنایی تلاش مناسب نیست و آنرا به نفع کشور نمی بینم. حتی در صورت تداخل قسمی شان به فرمان عفو سفارش خواهم کرد با وجود اینکه تعقیب عدلی و قضایی رئیس جمهور در قانون اساسی روش های روشن و هدایات روش خویش را دارد.

ببینیم زمان جواب قاطع به این مسأله چه خواهد داد؟ امید واری هایی در پیگیری قاطع عدالت در وجود رهبری جدید تحت زعامت جناب داکتر اشرف غنی زیاد است و انشاء الله باور داریم که ملت را جناب شان درین راستا نا امید نخواهند ساخت.

پایان بی پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ